



پدر بزرگها و مادر بزرگهای امروزی

نوشته فریادنده ایرامبر

ترجمه: دکتر آصفه آصفی دانشماردانسر ابعالی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آداب و رسوم اگر
اعضاء خانواده کمابیش با رسته‌های مهر و محبت بهم مربوط باشند يك فولکلور كوچك خانوادگی بوجود می‌آید که نمودار گرمی روابط آنهاست.

« در فرانسه رسم بر این است » : برای تثبیت روشی که مورد توجه فردمورد نظر قرار نگرفته است سه برگ نعنا را در چای دم کنید و با گل یاس نوئل به او بخوراند و بر ابر

با آداب و رسوم منطقی‌ای دو یا سه یا چهار بار روی هم را ببوسید اگر این رو بوسی‌ها بر ایر با آداب و رسوم و سنت‌ها انجام شود موجب دوست داشتن عادات و رفتار طرفین گردیده و هم‌رنگی و هم‌آهنگی ایجاد می‌نماید .

« مثل سنتی که صاحبخانه سر میز غذا شراب را برای حرمت مهمانها باید بچشد : بعضی‌ها به ضرب المثل‌ها و داستانهای خنده‌دار یا شوخی

علاقه‌مندند و این خود وسیله ایست برای برقراری نوعی ارتباط خانوادگی از طرف پدر بزرگها و مادر بزرگها، تکیه کلامهای بچه‌ها، اصطلاحات محلی یادگاری از اجداد، بدشانسی‌هاییکه در دبیرستان یا موقع سر بازی برایشان پیش آمده، تاریخچه بعضی از خدمت‌هایی که بمنزله داستانهای حماسی توجیه میشود بدون آنکه لزوماً هر کدام از آنها شامل

موقعیت افراد خانواده شود ، در قدیم این مسائل ایجاد سازندگی و باموجب تعریف و توصیف می گردید درحالیکه امروزه بعنوان نوعی شوخی و مسخره تلقی میگردد .

افراد جدیدالورود در خانواده میخواهند بعنوان عضو علاقمند در این اجتماعات شرکت کنند و غالباً برای توجه و نگهداری این آداب و رسوم کوچک جنب و جوش های زیاد می کنند .

زیرا احساس می کنند اگر این مسائل را قبول نکنند آنطوریکه باید در اجتماع خانواده جدید پذیرفته نمیشوند . افرادی سعی دارند که این سنت را بصورت مسخره و شوخی در آورند ولی بعدها غالباً متوجه میشوند که خودشان نیز شاید ناخود آگاه همان آداب و رسوم سنت ها را پذیرفته و در خانواده خودشان بر قرار ساخته اند . بعلاوه يك سلسله آداب و رسوم منطقه ای نیز وجود دارد که برای انسانها نقطه های ارتباطی بوجود می آورد ، قدیم در شهرستانها برای تولد کودک درخت سرو می کاشتند که از تنه آن موقع ازدواج

همان کودک نیم تختی تهیه میشود که رئیس خانواده بر آن جلوس کند ، در اکثر کشور های مختلف بسیاری از این سنت ها هرگز نوشته نشده است و باصطلاح سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است .

جوانان آفریقائی افکار - شان متوجه این مطلب است که همه چیز با از بین رفتن پیران محو و نابود خواهد شد ، اینها معتقدند که در قدیم گنج هائی وجود داشته اند که با صنعتی شدن دنیای امروز قیمتی تر گردیده است .

در فرانسه سنت بوسیله شعرا بصورت نظم درآمده و در فولکلورهای منطقه ای محفوظ مانده است و بهمین دلیل بسیار آسان است که آنها را نامیردو جاودانی نگاهداشت این سنت مثل ثروتی است غیر قابل ایراد که شاهد خوشی های زندگی میباشد . زندگی دسته جمعی افراد ، همگامی ، همراهی در انجام يك مقصود ، حتی اگر از يك خانواده نباشند .

تعطیلات نزد پدر بزرگها و مادر بزرگها
تعطیلات زمان و مکان توقف و استراحت است فرصتی است

که غالباً نسل ها باهم روبرو میشوند ، لزوماً تمام افراد خانواده نیستند که دورهم جمع می شوند بلکه اکثراً جوانان هستند ، فرزندان جوان که در مواقع تعطیل به پدر بزرگ و مادر بزرگ سپرده می شوند ، برای اینکه پدران و مادران بتوانند از تعطیلات طولانی تر استفاده نموده به جاهای دورتر بروند . بعضی وقتها هم در عوض پدران و مادران از پدر بزرگها و مادر بزرگها پذیرائی می کنند و این هنگامی است که جوانان در گروه های هم سن و سال خود برای برگزاری تعطیلات شرکت می کنند و یا به مسافرت های ترتیب داده شده میروند .

اقامتگاه برای ایام تعطیلات (اقامتگاه دوم) خیلی زیاد شده با تمام وسائل طبیعی وارداتی و همچنین اقامتگاههای قدیمی خانوادگی ، باوجودیکه اقامتگاههای قدیمی خانوادگی احترام داندولی کم کم دارند متروک می شوند ، نوجوان امروزی می گوید گو اینکه هنوز هم به منزل های بیلاقی خانوادگی مومن و علاقمند و وسائل آسایش و راحتی زیادتر است ولی با گذراندن تعطیلات در آنجا ،

خودم را عضوی از اعضای جهان
امروزی حس نمیکنم.

در بیلاق وقتیکه تعداد
بچه‌ها زیاد باشد اقامتشان
نزد پدر بزرگها و مادر بزرگها
حالب خواهد شد آنها یاد بود
این تعطیلات را مانند بهترین
خاطرات فردی محفوظ
نگه میدارند - ولی با وجود
این نبایستی دعوت بچه‌ها
صورت اجبار پیدا کند. الا
جوانان در خواست‌ها و خواهش
های دیگری دارند باید به این
خواسته‌هایشان توجه شود و از
حدود سن و سال‌های معینی
که مسافرت‌ها، کارآموزی‌ها
کارهای فوق برنامه مخصوص
زمان تعطیل برایشان ترتیب
داده میشود نباید انسان را
بازداشت، چه همین‌ها سبب
تقویت آنان گردیده و میتوانند
از تجربیات شخصی بهره‌مند
شوند. از طرفی با توجه به
سلامت و حالت مزاجی پدر
و مادر بزرگها و نگهداری
مراقبت منزل بزرگ بیلاقی،
مخارج و سرودهاهایی که از
تجمع جوانان بوجود می‌آید،
تصمیم استفاده گذرانیدن
تعطیلات را نزد پدر بزرگ و
مادر بزرگ باید اتخاذ نمود.
این بر خوردها، چگونگی



د آشپزی، نظرف شوئی،
لباس شوئی نظافت و جارو و
امثال آنها، تصمیمی گرفته
شده است یا اینکه خانه دچار
بی نظمی‌های کوچک و بزرگی
خواهد شد، چه اندازه باید
کوشش شود که خانه بهر حال
صورت منظمی داشته باشد حتی
اگر پدر و مادر بزرگ از نظم
و ترتیب فیلسوف مآبانه
خودشان هم صرف نظر نموده باشند؟
مادر بزرگی میگفت
د چندین بار اجازه دادم که

و پذیرش آنان به
شرکت افراد خانواده در
انجام کارهای خانه بستگی
پیدا می‌کند، کارهای خانه
در حقیقت موضوعی است که بیشتر
سبب خستگی مادر بزرگ
می‌شود، آیا واقعاً برای تقسیم
بندی کارهای اضافی مثل

بچه‌ها هر چه می‌خواهند بکنند
با این امید که وقتی کمی بخواهند
بروندند گی را مرتب خواهند
کرد ، اما قفسه‌ها باز ، روزنامه
ها و خورده های کاغذ کف
اطاقها پراکنده ، ایوان پراز
اسباب بازی و رخت و لباس
بود . . . درست در همان موقع هم
خودم ملاقات‌های فوری و کار
با عجله‌ای داشتم ،

آیا فرد ، نظم و ترتیب
را فقط در مورد خودش و منزل
خودش میخواهد یا در این
مورد بدیگران هم باید فکر
کند ؟ این مسئله ایست که
حلش بسیار مشکل مینماید .
اما دنیای بدون نظم و ترتیب
چه خواهد شد ؟ آیا نباید
این مسئله جزئی از تعلیم و
تربیت بحساب آید ؟ اگر
تعطیلات برای همه بایستی
رفع خستگی و نوعی استراحت
محسوب گردد و وضع مادر بزرگ
چگونه می‌شود ؟ او در این -
موارد عصبانی و خسته میشود
چرا بایستی مدتی وقت صرف
کند تا اشیاء را پیدا کرده و
بجای خودشان قرار دهد .
بهتر نیست نوادگان و جوانان
از تولید ناراحتی هائیکه
اجباراً برای پدر و مادر بزرگ
ایجاد می‌کنند جلوگیری کنند

تا زندگی و روزهای خوش و
شادتری را با هم بگذرانند
تعطیلات در منزل
فرزندان

بعضی اوقات پدر بزرگها
برای برگزاری ایام تعطیل بمنزل
فرزندان دعوت میشوند و
این خود علامتی است از
محبت و علاقه فرزندان به آنها
میتوانند بسا غرور بگویند
که ما در این دنیای بزرگ
تک و تنها نیستیم « میرویم
منزل فرزندانمان » ولی این
میمانیها بزودی بسا بصورت
انجام وظیفه و یا نوعی اجباری
درمی‌آید که پدر بزرگ و
مادر بزرگ تقریباً خودشان
را تنها احساس می‌کنند و
تشخیص میدهند که بایستی
مدت اقامتشان را نرسد
فرزندان کوتاه‌تر و زیر عنوان
اینکه کارهای لازمی دارند یا
مثلاً باید يك دوره چند روزه
تحت معالجه باشند در صدد
رفع زحمت برمی‌آیند .

خوشبختانه برای افراد
مسن امروزه راه‌های مختلفی
بوجود آمده که آنان بتوانند
دوره تعطیلات خودشان را
بگذرانند و البته این راه‌روشن
ها بایستی تعمیم یابد زیرا به
پدر بزرگها و مادر بزرگها

آزادی زیادتر می‌دهد و میتواند
روزها و هفته‌ها را در کنار
فرزندانشان بسر برند و این
مدت برای آنها آرامش بخش
و مطلوب باشد زیرا هر کدام
میتوانند در خور وضع خود
از تعطیلات استفاده کنند و
در نتیجه همگی با کمال میل
و اشتیاق منتظر این دیدارها
میباشند .

هدیه‌ها

هدیه از طرف پدر بزرگ
و مادر بزرگ غالباً نشانه مهر
و محبت آنها می‌باشد . بندرت
اتفاق می‌افتد آنرا بعنوان
نوعی دین نسبت به فرزندان
تلقی نموده و انتظار داشته
باشند که فرزندان کمال
اهمیت را برای هدیه‌های
آنان قائل شده و نسبت به آن
ابراز احساسات نمایند .
بعضی‌ها تعجب زده و کسل
میشوند وقتی که می‌بینند که
فرزندان هدیه آنها را بطور
عادی قبول کرده‌اند و با اصطلاح
بجای آنکه ارزش و اهمیت
فوق‌العاده برای آن قائل
شوند شاید تا حدی هم سبک و
بی اهمیت تلقی اش نموده‌اند
مثلاً يك تکه جواهر موروثی
در خانواده وقتی که ببینند که
این هدیه‌ای که برای آنها تا



آن اندازه ارزش و اهمیت داشته است ، در نظر فرزندان عادی بوده و حتی در فلان مهمانی هم از آن استفاده نکرد است بی اندازه غمگین و متأثر می شوند . باید توجه داشت که شاید فرزندان علاقه و توجه بیشتری به اشیاء تازه دارند ، برابر با مادر و بسته بندی های زیبا و علامت مخصوص مغازه بر روی بسته در حالیکه اشیاء تازه برای پدر بزرگ و مادر بزرگ مفهومی ندارد ، و معتقدند که فرزندان هم بهتر است به اشیائی علاقه مند باشند که پدر و مادرشان علاقه دارند منتها علاقه به فرزندان آنقدر زیاد است که توانسته اند از عزیز ترین اشیاء خود برای اینکه به آنها به بخشند صرف نظر کنند .

گاهی از اینکه فرزندان مثلاً در باره هدیه تولد یا جشن عروسی و غیره صحبت نموده و مادر پدر و مادر بزرگ خود چیز بخصوصی بخواهند متأثر می شوند چون علاقه مند هستند که هدیه خود را بصورت غیر مترقبه با آنان اهداء کنند و با اصطلاح آنان را غافلگیر کرده و خوشحالشان سازند در صورتیکه اگر قبلاً درباره آن صحبت و اظهار نظر شود لطفش از بین رفته و بسیار

کند ؟ متصور میشود که توجه کوچکی باعث خوشی هر دو طرف خواهد شد ؟

اگر پدر بزرگ و مادر بزرگ قبول کنند که این فرصت های کوچک را به فرزندان بدهند میتوانند عمیقانه حجت و بستگی فرزندان و نوادگان را احساس کنند .

عادی خواهد گردید . چه اهمیت دارد اگر فرزندان از دریافت شیئی مورد نظر و علاقه خودشان خوشحال و راضی شوند ولی رویاهای آنان از اهدای احویا نآهدیه های بی فایده و غیر لازم که در عین حال هم بجا نشان بسته است جلو گیری